



## عجز و قناعت

بنام آنکه اول آفرید لوح و قلم  
کسیکه عجز و قناعت کنند ندارد غم  
چنانکه هرچه از او هست در وجود و عدم  
اگر ز قوم عرب بوده یا ز خیل عجم

## بخشایش الهی

مرا ای پادشاه بخشیده بودی  
به مکه رفتم و کردم زیارت  
چو بودم روسیه را بخشیده بودی  
سراسر از گناه بخشیده بودی

## پنج بناء

از کلمه تا نماز و روزه و دیگر زکات  
در اطاعت رحمت است و در سخاوت نعمت است  
هم حج فرضی بود در زندگی راه نجات  
آدمی را عزت است اندر حیات و در ممات

## وعدۀ غفران

صد جرم و گناه کردم و احسان کردی  
رحمان و رحیم هستی و من می دانم  
بخشایش و الطاف فراوان کردی  
از روز اول و وعدۀ غفران کردی

## مولای علی

بین الجبلین مظهر هر صبح و مساست  
در بلخ بیا ناظم و نظاره نما  
هم در نجف و ملک عدن شیر خداست  
بی شبیه که مولای علی در همه جاست

## ثنا، درود و مرحبا

به دربار خدا باید ثنا اندر ثنا گفتن  
به چار یار گُبار و رهروان عالی و اعلا  
به پیغمبر درود بی حد و بی انتها گفتن  
همی شاید دُعا گفتن، هزاران مرحبا گفتن

## روز مولود

زمین و آسمان روشن شود از نور یزدانی  
نویذ روز مولود است و این مولود مسعود است  
محمد می شود پیدا درین دنیای انسانی  
فیوضاتی که موجود است، برکات و فراوانی

## انتظار رحمت

در زمین و آسمان لیل و نهار رحمت است  
بنده و دست دُعا و ناله و چشم امید  
هر طرف را بنگری نقش و نگار رحمت است  
روز و شب غرق گناه و انتظار رحمت است

## ثبوت ایمان

کلید معرفت زندگانی ایقان است  
به دیر و صومعه و در کُنِشت و در مسجد  
گشود قفل حقیقت، ثبوت ایمان است  
به نام کفر و مسلمان یکایک انسان است

## غفلت گزین

اطاعت افکار بنده باشد  
کسی کو در جهان غفلت گزین است  
که طاعت از اول زبیده باشد  
به روز امتحان شر منده باشد